

وظیفہ مجلہ تربیتی و تعلیمی

منظور نگارنده اینست کہ درسطور ذیل بارہ نکات عملی درباب مجلہ کہ برای تربیت وراہنمائی آموزگاران و دبیران نگاشته میشود ذکر نماید وازین جہتہ قطعاً بحث درباب کیفیت علم تربیت ووظایفی کہ بدان محول است دراین مقالہ موردی نخواہد داشت . باوصف این حال بعضی ملاحظات عمومی و اساسی درآغاز سخن سودمند بنظر میرسد و مهمترین ہمہ تعریف علم تربیت است تا رشتہ سخن معلوم باشد و گفتار از مبادی و اصول علمی خارج نشود .

عام تربیت عام بطرق آموزگاری و تربیت از روی اطلاعات علمی نسبت بطبایع انسانی و مخصوصاً در قسمت ساختمان روحی و بدنی و نژادی انسان است و از این روی پر واضح است کہ علم تربیت در قسمت موادی کہ بمحصلین میاموزند یا درسرخ تربیتی کہ برای محصلین در نظر گرفته میشود مداخلہ نخواہد داشت زیرا اینگونہ نقشہ های عمومی یا بر طبق اعتیادات و آداب ملی و یا بنا بمقتضیات موقع تهیه شدہ و بمقام اجرا گذارده میشود . بنا بر این علم تربیت تنها ذمہ دار خواہد بود کہ قوانین طبیعی را کہ نوع انسانی محکوم بہ آنست مورد دقت قرار دادہ و تاثیر آنرا در آموختن و تربیت جوانان معلوم نماید و از طرف دیگر تاثیر علوم مختلفہ یا شعب گوناگون یک علم را در نقشہ های عمومی تربیت تعیین کند .

شک نیست کہ ہر یک از خبرہ ها و متخصصین علوم و فنون مختلفہ مانند معلم فیزیک یا تاریخ بہتر از معلم تربیت مواد درسی خود و نتیجی را کہ از یک درس در نظر دارد تشخیص میدہد اما همان متخصص نیز باطلاعات و نصایح معلم تربیت نیازمند خواہد بود تا سهل ترین و قابل فہم ترین طریقی تدریس و توضیح آن مواد و میزان شعور و سرعت انتقال شاگردان خویش را بدست بیآورد .

مسئلہ تخصص و توسعه دامنه علوم مسائل و معضلات جدیدی را ایجاد کردہ

و وجود مدارس گوناگونی را ایجاب نموده است. در این قسمت نیز معلم تربیت بشرط داشتن مقصود اصلی در تشکیل و طرز تدریس این مدارس میتواند مساعدت های گرانبهای بمتخصصین و معلمین آن بنماید.

در هیچ کجای دنیا تنها تعلیم علوم بمحصلین غایت مقصود نبوده و یک تربیت عمومی و کلی نیز همواره منظور بوده است. غرض از تربیت عمومی اطلاع و آشنائی اجمالی به رؤس مسائل مهمه مورد احتیاج عموم است و این مسائل طبعاً با یکدیگر میخلوط خواهد بود، معلم تربیت میتواند یک نوع هم آهنگی و وحدتی از این توده اطلاعات مختلفه بدست آورد. اما این وظیفه آسان نیست زیرا تربیت عمومی در هر مملکت تغییر میکند گاهی از نقطه نظر آشنائی بوظایف اخلاقی انسان و زمانی از لحاظ نمو و پرورش ملکات روحانی افراد و زمانی ترکیبی از این دوتربیت عمومی را تشکیل میدهد. امروز بادلایل بسیاری که در دست است معتقدیم که تربیت بدنی نیز باید قسمت مهمی از تربیت عمومی را تشکیل بدهد ولی طریق اجرا و میزان آن قطعاً معلوم نیست. این مسائل البته مستقیماً مربوط به علم تربیت نیست زیرا اعتیادات ملی، قریحه و ذوق اجتماع آن را بمقام اجرا میگذارد ولی معلم تربیت ناگزیر است کایه این جریانها و تاثیرات آنرا مورد مطالعه و تدقیق قرار دهد.

وظایف تربیت باین جا نیز ختم نشده و ذمه دار است بسیاری از مسائل را که آموختن آن بوسیله نطق و کتاب و تدریس امکان پذیر نیست و فقط باید بوسیله تعالیم آن مسائل را غیر مستقیم بذهن القاء نمود بیاموزد. این مسائل عبارت از درک احساسات اخلاقی و روحانی، حسن دوستی و تعاون اجتماعی و غرور ملی است. البته عقاید در باب اخلاق و روحانیت و تعاون اجتماعی و مایه درملل و اقوام مختلفه فرق میکنند و میزان ارزش هر یک در نظر انسانها متفاوت است. تهیه یک ترازوی ارزش و معیار کامل و درجه بندی این احساسات قطعاً از وظایف مخصوص معلم تربیت نخواهد بود.

آخرین نکته که در این مورد باید ذکر نمود اینست که هرچه انسان در وظایف تعلیم و خدمات تربیت بیشتر دقت کند برای وی زیاده تر آشکار خواهد شد

که حل یا جواب این همه مسائل گوناگون بسنه بعقیده و منظور وی در شناختن انسان و تشخیص مرتبه کمال انسانیت است و راستی که دائره بزرگ و وسیع معلومات در هر عصر تحت تأثیر و نفوذ فکر انسان یا اقوام انسانی در تشخیص انسان کامل و در پرورش وی واقع شده و علم تربیت را برای نیل باین آرزو بخدمت طلبیده است و اگر روزی علم تربیت با این کمال مطلوب مخالفت نماید باز ناگزیر بیک آرمان و آرزوی نهائی که برای وی تهیه میشود خدمتگزار خواهد بود.

این است آنچه را در نظر علمی میتوان وظیفه متخصص علم تربیت دانست و اینک هنگام آنست که این متخصص را در هنگام عمل مورد آزمایش قرار داده آنچه را بنا بر فرضیات علمی از وی گرفته ایم در موقع تجربه بوی رد نمائیم آنچه در فوق گفته شد قطعاً و علماً از وظایف متخصص علم تربیت نیست و در حقیقت هر گاه تربیت عمومی و مقام اجتماع و ملت و اخلاق در افکار انسانی مشخص گشت و شرایط انسان کامل چنانکه آرمان جهانیان است معلوم گردید و اجتماع آن آرمان را پذیرفته نسل های آینده را مطابق آن پرورش داد وظیفه معلم تربیت چیزی جز این نخواهد بود که طریقه عملی ساختن این منظور و آرمان را پیدا کرده و آنرا به مقام عمل در آورد.

همینکه دائره عملیات علم تربیت از روی این فلسفه نظری محدود گشت باید دید وظیفه مجله که برای نشر نظرات و اظهارات این علم تهیه میشود چیست و در این مورد لازم است مندرجات و طرز تهیه و تشکیلات داخلی چنین مجله را مورد بحث قرار داد :-

اول - مندرجات

اولاً - مجله تربیتی باید تا آنجا که ممکن باشد در هر شماره مقاله اساسی در مباحثی که فوقاً ذکر شد داشته باشد. اینگونه موضوعات فراوان است و بحث در باب آنها طبعاً اسلوب و روش تربیت را تحت تأثیر خویش قرار خواهد داد. موضوعات ذیل که فعلاً بخاطر میرسد نمونه از مباحث مربوط باین مجله را بدست خواهد داد.

آیا تمدن ایران اساساً شعبه از تمدن حوزه مدیترانه است ؟
 آیا تمدن ایران از لحاظ اعتیادات و هوش و ذوق و وضعیت جغرافیائی ایران
 رابطه طبیعی بین تمدن شرق و غرب است ؟

آیا تربیت و دانش در ایران باید اصولاً ذمه دار پرورش اراده و عواطف باشد ؟
 آیا تأثیر حرکت محسوسی که امروز در زندگی اجتماعی و اقتصادی ایران
 موجود است در نمو اراده و عواطف انسانی چیست ؟

ثانیاً - در تعقیب این مقاله اساسی و یا احیاناً بجای آن باید موضوعاتی که
 مطابق منطق باید آنرا از طرز عمل و دستور تربیت ایران نتیجه گرفت و یا مربوط
 بآن طرز عمل است برشته تحریر در آید . موضوعات ذیل که با قسمت اول ارتباط
 دارد در این مورد بنظر میرسد :

آیا تدریس زبان و ادبیات یونانی و لاتین (کلاسیک) باید در مدارس
 ایران عملی بشود یا نه . یعنی آیا تمدن مغرب بدون تدریس لاتین و یونانی میتواند
 در ایران جایگزین بشود ؟

مابین دانشگاه طهران و دانشگاه های هندوستان و مصر و عربستان چه روابطی
 میتوان برقرار نمود ؟

اتحاد و ارتباط اساس و شالوده تربیت عمومی این کشور با موادی که در
 مدارس تدریس میشود چیست ؟

ثالثاً - بعد از این در موضوع مقاله هائی در مسائل فنی مربوط بتربیت یا
 تعلیم یعنی در اسلوب عمومی تعلیم و یاد داری در طرز تعلیم شعب مختلفه ادبیات و علوم و مسائل
 تأسیس دارالتجزیه ها و غیره باید برشته تحریر در آید .

رابعاً - قسمت عمده از صفحات مجله باید به راپورتها و اطلاعات مستند در
 باب تجربیات و آزمایشهایی که در مدارس مختلفه با اسلوبهای مختلف تعلیم بدست آمده
 اختصاص داده شود . در این قسمت تأثیرات محیط های مختلف در روحیات شاگردان
 و سایر مسائلی که معلم تربیت در آزمایشهای روزانه با آن مواجه است درج میشود .
 خامساً - قسمتی از مجله باید منحصرأ بدرج اخبار مهمه معارفی ممالک

خارج و جریان علمی نقاط دنیا مخصوص باشد.

دوم - طرز طبع و تهیه مجله

قسمتی از مجله باید بمباحثات و مناظرات تخصیص داده شود. مباحثی که در قسمت اول ذکر شد درخور بحث و مناظره نبوده و بیشتر مربوط بذوقیات است ولی سایر موضوعات در نتیجه بحث و حلایی روشنتر شده و هرگاه نویسندگان مطلع در یک موضوع وارد بحث و تحریر بشوند عقاید مختلفه را اظهار بدارند جلب علاقه و توجه خواهد نمود.

در این قسمت اگر اقتراحات یا پرسشهایی از طرف مجله شده و اوستادان و معالمن مدارس به نگارش نظریه خویش دعوت شوند بی نهایت سودمند خواهد بود بالاخره شماره‌هایی را باید بدرج مقالات در باب یک موضوع واحد اختصاص داد تا نظرات و تجربیات و عقاید متنوعه در آن باب در آن یک شماره مدون باشد. این شماره‌ها ممکن است سالی دوبار نشر پیدا کنند و بعدها شکل رساله‌های مخصوصی را پیدا خواهد نمود که اهمیت آن از شماره‌های دیگر مجله کمتر نیست.

برای تکمیل معلومات جوانان

یکنوع مدارس خاصی در نقاط مختلفه ممالک اسکاندیناوی موجود است که در سایر نقاط عالم کمتر نظیر آنها وجود دارد، مدارس مزبور بنام «مدارس ملی» موسوم و تقریباً یکریع از اهالی دانمارک اطفال خود را در این مدارس گذاشته‌اند.

محصلین این مدارس معمولاً از جوانانی تشکیل یافته که پس از ختم تحصیلات اجباری از سن ۱۴ سالگی بی‌الا دیگر بمدرسه نرفته و سپس مایل به تحصیل و تکمیل معلومات شده‌اند و چون مخارج زندگی و گذران یومیه ایشان مانع از ادامه تحصیل بوده در مدارس مزبور امر معاشی آنها تأمین و در ظرف سه ماه هر کدام از آنان را بطوری که دلخواه و منظورشان است فارغ التحصیل مینمایند و عده کثیری از نواحین و روستائیان دانمارک در این مدارس تحصیل کرده‌اند.